نامه
رهبر
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
سال اول ـ شماره صد و نود و هفتم
جمعه ۲۳ دی ماه ۱۳۲۳
این روزنامه توسط هیئت تحریریه اداره میشود

THE LIBRARY OF CONGRESS SERIAL RECORD
OCT 21 1944
Order Number
Copy

در حزب ما

رئیس و مرئوس وجود ندارد

در هنگام ناچه دردناك مرك مرحوم اسکندری از گوشه و کنار بگوش میرسید که بعضی اشخاص خارجی میگفتند «رئیس حزب توده مرده است» و نیز در یکی از روزنامه‌های پایتخت در ضمن مقاله تسلیت آمیز و بیان شخصیت وفضائل مرحوم اسکندری نوشته شده بود که «حزب توده بی سرپرست شد» ۰ این گونه سخنان و نوشته‌ها و نظائر آنها با آنکه هنوز قلب ما از مرك رفیق عزیز خویش پر اندوه و تأثر است ما را ناگزیر میسازد که بطریق اختصار و ایجاز حقیقت را در نظر خوانندگان روشن ساخته و نظریات حزب را درباره یك موضوع کلی آشکارا بیان کنیم

ما بارها چه درضمن مقالات اساسی و حزبی خود و چه در هنگام کنفرانسها و متینگهای عمومی حزب اظهار داشته‌ایم **درحزب ما رئیس ومرئوس وجود ندارد**، در حزب ما هیچیك از اعضاء بر سایرین ریاست ندارد، در حزب ما یکنفر سر پرست برای سایرین تعیین نشده‌است تا پس از از بین رفتن او حزب و کلیهٔ اعضاء آن بی‌سرپرست شوند ۰ در حزب ما هر یك از افراد بنوبهٔ خودسرپرست کار ها ووظائف حزبی است ۰

در حزب ما هر فردی خود را سر پرست و مسئول کوششها و مبارزات و فعالیتهای حزبی میداند ۰ بهمین مناسبت تا وقتی که یکنفر ازافرادحزب باقی‌است حزب ما «بی سرپرست» نشده است ۰

علت این امر واضح‌است. زیراحزب ما یك حزب بمعنی واقعی یك‌سازمان حزبی تودهٔ حقیقی است و حزب واقعی یك‌اداره نیست که رئیس داشته باشد، بنگاه نیست که «مقام ریاست» داشته باشد؛ حزب را با یك گله گوسفند که عنان اختیار آنها در دست چوپان و سرپرستی است و اگر او ازین رفت پراکنده و از هم گسیخت خواهد شد نباید اشتباه کرد **حزب‌ما یك خانوادهٔ که کودکان صغیر آن با مرك پدر «بی سر پرست» شوند تفاوت اساسی‌دارد**

حزب واقعی‌سازمانیست متکی‌باراده توده وسیع اعضاء‌آن که‌با سازمان معین وهدف ومرام مشخصی متشکل گردیده است ۰ یك‌حزب صحیح رابماشین‌عظیمی میتوان تشبیه نمود که هریك از سازمان های آن حکم‌یکی ازچرخهای آنرا دارد وافراد حزب صورت دندهها یاپره‌های این چرخهارا دارند. بدیهی است درچنین ماشینی نمیتوان گفت‌یکی ازچرخها یادنده ها برسایرین برتری‌وریاست دارندبلکه هریك دارای وظیفه وحرکتی هستندوبر اثرعمل دسته‌جمعی آنها ماشین کارمیکند درحزب صحیح نیز هیچیك ازافراد بر دیگران برتری‌مطلق‌ندارندوحزب مایك چنین سازمانی است .

پرواضح است که‌درحزب نیز مانند هر تشکیلات دیگری درجه فعالیت وفایده رساندن اعضاء کم وبیش تفاوت دارد ولی این امر باعث تمایزات بیجا ورئیس ومرئوس‌شدن نمیشود .

چرا اشخاص خارجی اینطور فکر میکنند؟ این اشتباه از کجا ناشی شده است؟ علت آن اینست که طرز تفکر مردم‌هنوزاز تحت تاثیر افکارجامد قرون وسطائی و اصول‌آقائی و بندگی که مبتنی براساس فرد پرستی است‌خارج نشده است **هنوزمردم عادت‌دارند که‌محصول کارجامعه رابصورت اراده فردی بپرستند وهنوز به قدرت اجتماع ونیروی‌همکاری پی‌نبرده اند** ۰ زیرا تا کنون‌سازمان صحیح حزبی و ترتیب تشکیلاتی در این کشور سابقه ندارد ۰مردم این کشورهر جا در محیط خودنگاه کرده‌اند دیکتاتور ها، آقا ها، اربابها، رئیس‌ها رادیده‌اند در اداره، در کارخانه، در اجتماع حتی درخانواده نیز باریاست و اطاعت، فرماندهی‌وفرمانبرداری‌سروکار داشته‌اند بدین جهت بسختی میتوانند حقیقت حزب ما را بفهمند واز ابنرو کار ما را نیز قیاس از سایر جاها میگیرند ۰

در صورتیکه حزب‌ما ازآن‌حزبهائی نیست که‌برای‌رئیس کردن رئیسها‌تشکیل شده باشد بلکه بالعکس هریك ازافراد هرقدرهم‌وظیفه ومسئولیت وی‌مهم‌باشدباز تمایزمطلق باسایرافراد ندارد. **حزب‌ما برای افراد نیست بلکه افراد برای حزب هستند** ۰

اشتباه‌نشود ،ماوقتی‌میگوئیم‌حزب‌ما«رئیس» نداشته‌است‌تابامردن‌وی «بی سرپرست» شویم مة ودمان این نیست که منکر شخصیت و تأثیر افراد شویم . مرحوم اسکندری همانطور که گفتیم وهمه‌کس نیز می‌داند یکی از فدائیان راه‌آزادی، یکی ازپیشقدمان آزادیخواهی بوده‌است مرحوم اسکندری دردوسال اخیرباضعف مزاج وناخوشی که داشت با تمام قوا در پیشرفت هدفهای حزب توده ایران جدیت مینمود و خدمات فراوان و بسیار مؤثری درراه توسعه واستحکام‌این‌حزب انجام داد. حزب توده ایران همواره از کوششها وخدمات آن مرحوم‌سپاسگذار است و نمونه آنرا نیز نشان داده است ولی **ناگزیریم بی پرده بگوئیم‌نه مرحوم‌اسکندری ونه هیچ فرد دیگری‌سمت ریاست و سرپرستی حزب را نداشته و نخواهند داشت**

هیئت تحریریه

بقلم یکی از استادان دانشگاه

کم محلی

در کلاس تهیه مدرسه اتحادیه حسن آقا با سر ماشین کرده مراد بیگی گلو گشاد، وارسی سکسکی بلاگردان‌شاگرد های کلاس بود.

اگرروی تخته سیاه نقش‌ونگارهای کودکانه کشیده میشد،اگردرروی نیمکت های چهارچوبی‌ـ من بعیرم خط بماند یادگار ـ کنده بوداگرمرکب الوان‌درودیواراطاق را رنگین میکرد همه تقصیررا بگردن حسن آقا میگذاشتند. روزی‌نبود که حسن آقا برای شیطنت سایرین، کف دستی نخورده وچوب وفلك نشود

من در زندگانی رد حسن‌آقا راگم کردم. لابدشاهم درطفولیت، در کلاس های درس‌امثال‌این‌حسن آقارا داشته‌ایدو شاید هم بدانیدکه امروز چه مقامی رادر اجتماع حائز اند

ولی در مقابل تمام این تهمت ها و سرکوفت ها حسن آقا یك حربهٔ قاطعی داشت وآن کم محلی بود، حسن‌آقا همه را از معلم تا شاگردکم محلی میکرد

یقین‌دارم‌در این همه وزیر ووکیل استاندار وبخشدارو‌شهردارو شهربان‌حتی در انجمن نظار این حسن آقا های نوعی کارمیکنند.

حسن آقا مدرسه اتحادیه خوب جم ایرانی را بدست آورده بوداین حسن‌آقا های اجتماعی هم خوب باخلاق‌ملت‌ایران پی برده اند

شما هرچه‌بگوئید، فریاد بزنید، سند در معرض نظر بگذارید آنها بکار خود مشغولند و برای جواب فقط شما را کم محلی‌میکنند.

یك سال سخت وپر مشقت پیش‌آمد گندم کمیاب شدبرای علاج آن‌یك اداره خواربار‌دردست‌شداین‌اداره بزرك‌شدقوت گرفت، وزارتخانه شد، دم ودستگاه چند وزیر و معاون و رئیس کابینه و مدیرکل پیدا کرد ۰

در اداره سیلو سنگر بندی کردند کارخانهٔ تبدیل گندم به بریکت خوش‌سوز فراهم نمودند رئیس نانواخانه و مهندس مساحی نان های آجری استخدام کردند قریب به چند ملیون ریال رابرای ساختن لوك، و تنور و قالب و کوره مصرف کردند. هرچه‌خمیر گیروشاطرو آتش‌انداز درشهر بوداستخدام کردند، بقول‌خودشان نان سازی را تمرکز دادند پس از این همه خرج و تشکیلات عاقبت هرچند روز یك بار یك صد دوجین آجرقرافی باسم نان بمردم فروختند

صد و پنجاه ملیون تومان بودجه و اعتبار گذراندند در مجلس شوری‌هم‌وکلا بصدا در آمدند حساب وکتاب خواستند وزیر خوار بار وقت وعده دادکه‌بحساب هارسیدگی‌میشود، مجرمین، خیانتکاران کلاه برداران‌تعقیب میشوند؛ دوسیه ها درست میشود

جراید هزارها مقاله نوشتند، با نام و نشان این رئیس خوار بار و آن بازرس را متهم کردند نتیجه آنهمه داد و بیداد چه شد؛ فقط نان سیلو مانند سکه های مخلمنشی ضرب المثل گردید.

آقایان که‌محلی کردند؛ وزیرخوار بار وزیر مشاور شد، رئیس خوار بار، مدیر کل گردید، مهندس سیلو، رئیس اداره نان سرجای خود نشستند و هرچه روزنامه ها گفتند آنهاشنیدندوبروی‌مبارك خود نیاوردند.

اداره بار بری راه‌بااختیارات تام و تمام افتتاح گردید، یك عده کامیون از متقین گرفتند، یك دسته دکترحقوق، مهندس راه آهن، دکترکر علوم ریاضی را باسم رئیس‌اداره، دائره، بازرس‌فنی و مشاور حقوقی استخدام کردند.

کامیون های لکنته وشکسته کاراز دارها را کنترات کردند لاستیك های‌نو و کیاب را تقسیم کردند، چند نفر از مستخدمین عالی‌رتبه اداره بعدازآنکه‌فوت و فن کاسه گری‌را یادگرفتند شرکتی تشکیل دادند وبارباری را انحصاره‌خود کردند در تمام این مدت‌اغلب موادغذائی میوه جات همه گندید و اداره باربری راه اجازه حمل و نقل آن را نداد در کرمانشاه چندین تن‌سیب زمینی پوسید در اهواز قسمت مهمی از خرما هاگندید ولی چند نفر دلاور و دست وپا دار از تصدق سر اداره باربری در شهر کامیون راه انداختند ،لاستیك فروخته شرکتهای ابر و بادومه وخورشید، تشکیل دادند

روزنامه ها نوشتند، مردم به سر و صدا در آمدند مستشاراداره راه خود را گرفت و رفت ولی رنود کهنه کار دست از پا خطا نکردند هرچه گفتند شنیدند و کم محلی کردند.

وزارت پیشه و هنر کارخانه های اختصاصی را پس گرفت پارچه و حریر و جوراب و چیت را انبار کرد. بدل بخواه فروخت‌یا پوساند بدوست و رفیق، به‌اشخاص مهم و زوردارپارچه‌های‌ارزان فروخت‌درب‌شرکت‌های قماش بسته شد، بجای سه متر پارچه هر سه ماه‌یك بارحتی یك قاب دستمال در عرض یك سال داده نشد ۰نخ ها در انبارهای‌شهری، پارچه ها در گوشه و کنار کارخانه‌ها پوسیده و از استفاده افتاد

باز وقتی سر و صدا بلند شد ازاین طرف و آنطرف مدارك و اسناد سری

بقیه در صفحه ٤

ساوه ـ محمد بی ریا (شیدا)

ای رنجبر!

الا ای رنجبر تا کی دو چشم خونفشان از تو
گریزان راحت و آسایش و تاب و توان از تو
جهانی تکیه دارد بر دو بازوی توانایت
بجا باشد اگر نازد زمین از تو زمان از تو
جهان آدمیت را تو هستی پایهٔ محکم
بدین رونق‌بدین گرمی است بازار جهان از تو
ز اعجاز تلاش و رنج باشد آیتی کوچك
بدریا کشتی و طیاره اندر آسمان از تو
تمدن را تو پروردی بزیر سایهٔ رنجت
چرا رم می کند این کودك نا مهربان از تو
هزاران کاخ‌محکم شد ز کار و کوششت بر پا
ولی فرزند و زن بیخانه و بی خانمان از تو
تملای تو سازد خانه اشراف پست نعمت
ولیکن حسرت یك لقمه خون‌آلوده نان از تو
گروهی دزد و خائن کامران از حاصل دستت
تهیدستی و بد بختی و درد بیکران از تو
یکی با مفتخواری صاحب صد گونه قدرت شد
که بستاند هزاران کار مفت و رایگان از تو
جلال و حشمت و شأن و مقام و منزلت از وی
تن فرسوده و خون دل و اشك روان از تو
بساط عیش و عمری زیستن بی درد سر از او
به نا چاری و سختی کندن یك عمر جان از تو
نشینی تا بکی خاموش و خون دل خوری تاکی
چه خواهند این خداوندان گنج شایگان از تو
تو باز تیز پروازی و زاغان سیه‌رو را
چه جرئت تا بسوزانند یکسر آشیان از تو
ترا دست طبیعت قدرتی بخشیده بی پایان
کجا بستن تواند هر شغالی بازوان از تو
اگر در حلقهٔ وحدت برائی توسن همت
بهر سستی که روی آری رمد خیر ژیان از تو
بناز ای رنجبر بر قوت بازوی خود چندان
که لرزد مهرهٔ پشت جنایت پیشگان از تو
برای حفظ استقلال کشور جانفشانی کن
مگر ایران ز اضمحلال ماند در امان از تو
تو خود را نا توان پنداشتی تا اینزمان لیکن
از ین پس دور بادا دوراین وهم وگمان ازتو
ز جا بر خیز و مشت خویشتن را آزمایش کن
نیندانی چها خیزد بروز امتحان از تو
بحزب آهنین توده گر پیوستگی داری
تاریخ جهان ماند نشانی جاودان از تو

ساوه ـ محمد بیریای گیلانی «شیدا»

«مختاری نبایددرزندان» باشد!

هیئت تحریریه روزنامه رهبر

در شمارهٔ هفتاد و هفتم مورخه ۳۰ آذر آن نامه محبوب شرحی‌تحت‌عنوان (مختاری محکوم اعمال شاقه و سایر همکاران جنایتکار او درزندان نیستند) ازطرف هیئت تحریریه نگاشته شده بود. —

من میخواهم طبق تقاضای مکرر خودتان که میگوئید (ازما و ازروزنامه ما انتقاد کنید) خیلی ساده وبی‌پا شما را در این خصوص مورد انتقادقرار دهم!

امروز بر اثر تبلیغات و راهنمائیهای قابل تقدیر شما کوچکترین افراد توده اینقدر بصیرت و فکر روشن یافته است که میتواند از دور ترین نقاط کشور ببیند و تماشا کند که مختاری قاتل! مختاری سفاك و جانی! علی رغم ارواح شهدا و مقتولین جنایات خود، دربهترین اطاقهای مبله و شیك روی صندلی‌راحتی لمیده تبسم مسخره آمیزی بر کنج لب گرفته، همدستان‌محبوب خود یاد جلادان دیوسرشت عصرطلائی» را بدورخویش جمع کرده، گاهی بیازی پوکر، زمانی شطرنج، وقتی‌هم نرد مشغولند. بهترین مشروبات و عالیترین اغذیه را در خلال بازی با تفریح وتفنن صرف میفرمایند از بازی هم که خسته شدند، دسته‌جمعی و بالاتفاق تصنیفی‌را که «خنده بریش ملت» نام دارد و سازندهٔ آن هم خود مختاریست باصدائی حاکی از نشاط و وجد باطنی میخوانند و متعاقب‌آن قهقهه خنده را درفضای‌دارالعیش‌خود سرمیدهند وآخرکارهم خمیازه عریض وطویلی بیاد ازگشت ولینعمت خود میکشند!

آری یك فرد کوچك‌توده می‌بیند

بقیه‌درصفحه ۳

تسلیت شورای زحمتکشان

روزنامه رهبر

بمناسبت درگذشت مرحوم سلیمان محسن‌اسکندری که یکی‌از عناصرفداکار آزادیخواه ایران بود ۰

شورای اتحادیه‌های زحمتکشان‌شام اعضاء خانواده محترم ایشان و بحزب توده تسلیت گفته امیدوار است آرزو و مقاصد آن مرحوم بدست آزادیخواهان و حزب توده بعمل آید.

ازطرف شورای‌اتحادیه‌های ایران

در اطراف انتخابات

بقلم آقای باغچه‌بان

ما بچه نظر رأی میدهیم

چندروز پیش‌برای بازرسی دبستانی رفته بودم پس ازآنکه ازبازرسی کلاس باطاق مدیرآمدم‌خواستم کلاهم‌رابرداشته بیرون آیم حس کردم که‌در ته کلاهم در لای آسترش کاغذی هست گمان کردم که‌شاید ازکاغذهای شفائی است که بین آستر وماهوت «بانه» کلاه قراری دهند که‌عرق بیرون نفوذ نکند و تعجب کردم که‌چطور تاحال من آنرا ندیده ام، وبتصور اینکه حالا له‌شده است به من محسوس میشود دست نزده سرم گذاشتم اما وقتیکه میامدم مدیر گفت آخر شما شش نفرکاندید های حزب توده را اول نوشته وبعد اشخاصی را که‌میدانیم وجود آنها نسبت بمرام حزب توده مضر نیست می‌نویسیم مدیر گفت باید اشخاص صالح راانتخاب کرد وبالکنت زبان چند کلمه راجع سلیمان محسن اسکندری گفت‌او را چیگونگی انتشارات رنود ودسته های محتکرین مطلع ساختم حقیقتا جای خیلی تاسف است که‌یکنفر مدیر مدرسه برای وکالت کسی‌راصالح‌نداند که بیست‌دم‌پخت

بقیه در صفحه ۳

اخطار

سر مقالهٔ این شماره درهفته آینده باید در کلیه حوزه ها مورد گفتگو قرار گیرد و در بارهٔ آن تحصیل داده شود

ازطرف کمیسیون تبلیغات

تسلیت دانشجویان کشاورزی

کمیته مرکزی حزب توده ایران رونوشت روزنامه رهبر ما دانشجویان دانشکده کشاورزی اعضاء ودوستداران حزب توده ایران، بمناسبت فوت رهبر آزادی خواهان: مرحوم سلیمان محسن اسکندری، بهمه اعضاء حزب توده ایران تسلیت عرض میکنیم ۰ زنده باد حزب توده ایران

صورت‌اسامی‌امضاء‌کنندگان

محمدباقرخوش اتکال ـ ناصرجدیدی ـ محمدعلی مبشری ـ محمدحسین حساس ـ محمدحسین جزیره ای ـ پرویز دردی ـ فتاح زاله چیان ـ محمد علی جعفرنیا ـ رحیم قوامی امین ـ مهدی شامی ـ اردشیر صدقیانی ـ عباس وثوق حقیقی ـ ابوالقاسم دبستانی ـ علی منوچهری ـ محمد مصدق ـ بهرام پیربازاری ـ زین‌العابدین عطا بابا ـ محمد رضا مرطوبی ـ هایك میرزایان ـ ر. طوسی ـ علی‌نیکانپور ـ کریم کودرزی ـ باقری ـ سید محمدعلی منصوری ـ مهدی ظاهریان ـ ا. واهب‌زاده ـ محسن اعتمادی ـ حسن صدیان ـ یحیی نیرومند ـ غلامرضا صدری

علوم برای توده — دکتر غ ـ فروتن استاد دانشگاه

سازگاری و هدف موجودات زنده

هرگاه انسانی که در سرما و شرایط سخت نواحی قطبی زندگی میکند تغییر مکان داده و در نقاط گرمسیر خط استوا مقرگزیند در غاز زندگی در محیط جدید برای او بینهایت دشوار است ولی پس از مدتی کم کم بمحیط جدید عادت کرده و شرایط سخت آنرا تحمل میکند در اینصورت گوئیم انسان منطقه قطبی برای زندگی در نواحی گرمسیر سازگار شده است

بطور کلی موجوداتی که در یک محیط معینی زیست میکنند حتماً برای — زندگی در آن سازگاری حاصل نموده‌اند در نتیجه این سازگاری صفاتی درموجودات زنده پدید میاید که ظاهراً متناسب بازندگی در آن محیط است چنانچه شکل ماهی‌ها واعضاء حرکت آنها برای زندگی درآب ساخته شده ویاتغییراعضاء حرکت به‌بال یک نوع سازگاری برای پرواز است همین طور قسمت‌های مختلف چشم بطوری ساخته شده که این عضو بوجه احسن میتواند اشعه نورانی را دریافت کند . از اینرو چشم برای دریافت نور سازگاری دارد.

بنا بر این ظاهراً چنین مینماید که هر ساختمان یا عضوی که در موجود زنده می بینیم لزوماً عهده‌دار عملی است و مفید فایده‌ای میباشد چنانچه دراصطلاح عوام گوئیم :

خداوند به انسان دوچشم داده برای آنکه ببیند یادو گوش داده برای آنکه بشنود ، دندان داده برای آنکه غذا را بجود و مغز برای آنکه بتفکر پردازد بدینترتیب برای هر کیفیت یاهرعضو موجود زنده هدفی میشناسیم و آن هدف راعلت غائی آن میدانیم .

انسان در طبیعت هر کیفیتی را با نظر انسانی مینگرد و قضاوت او درباره موجودات قضاوت انسانی است مثلا از انجا که خود را پاکیزگی علاقه دارد و برای ازاله کثافات و آلودگی باآب بدن خود را شست و شو میدهد .

تصور میکند که گربه یاگاو نیز هنگامی که بازبان خود رامی‌لیسند برای آنست که پوست بدن را آب و جارو کرده و از کثافات بزدایند.

همینطور چ ن زشتی و زیبائی یا بدی و خوبی را تشخیص میدهد گمان میبرد که موجودات دیگر نیز زیبائی و زشتی را درک میکنند و یا بدی را از خوبی تمیز میدهند

تصور هدف و علت غائی برای اشیا و کیفیات طبیعت نیز نتیجه ای از این روش قضاوت است .

ما میدانیم که انسان هرچیزرا برای منظور معینی میسازد مثلا صندلی را برای نشستن سرقلم و دوات را برای نوشتن لباس را برای پوشیدن و گیلاس را — برای نوشیدن و ..... حال در یکی از این اشیاء بیشتر غور میکنیم .

مثلا انسان چاقو را بمنظور بریدن میسازد و برای آن یک تیغه برنده و یک دسته‌ای که تیغه میتواند در آن جایگیر شود تهیه میکند.

بنابر این هدف ساختن چاقو بریدن است و برای اینکار فکر انسانی بکار افتاده و ماده را برای منظور معین بصورت معین در آورده است .

در ساختمان چاقو دو نوع علت میتوان شناخت یکی علت مادی آن بدینمعنی که ساختمان چاقو بستگی دارد با فلزی که در آن تیغه را تهیه نموده و شاخی که باآن دسته چاقو را ساخته اند ووسائل دیگری که برای تهیه این آلت بکار رفته است دیگر علت غائی که نتیجه فکر انسانی است که تمام وسائل مادی را برای هدف و منظوری بکار می‌اندازد.

هنگامی کهما چاقورا میبینیم علل ساختمانی آنرا در می یابیم و میدانیم که این شیئی صداً برای بریدن ساخته شده است و از آنجاکه اشیاء ساخت انسان هرکدام از پیش صداً به عمل معینی — تخصیص داده شده عادت بر این جاری میشود که هرکجا چیزی به بینیم علتی غائی و هدفی برای آن قائل شویم و چون هر شیئی بدست کارگری ساخته می شود که اعمال مختلف را با فهم وشعور و نظم و ترتیب اجرا میکند از اینرو فوراً فکر انسانی باین نکته برمیخورد که طبیعت نیز هدفی دارد و کارگری آنرا برای منظوری بنا نهاده است

جستجوی علت غائی و طبیعت گاهی دانشمندان بزرگ را به افکار خنده آور و تصورات بچگانه‌ای وا میدارد مثلا بعضی ازآنها خم شدن شاخه‌های پر میوه را بسوی زمین برای سهولت چیدن میوه‌ها میدانند قاچهائی که بروی پوست طالبی یا گرمک مشاهده میکنیم برای اینست که بدون اشکال میان افراد خانواده تقسیم گردد .

نسیم بهاری و باد خزان برای آن که هوای فاسد و کثیف اطاقهای محقر بیچارگان راتجدید کند و از همه مضحک‌تر گذشتن رودخانه ها از میان شهرها برای آن که حوائج شهر نشینان برطرف شود

چون موضوع علت غائی از خواص نوع بشر است و تنها در اشیاء ساخت انسان مصداق پیدا می کند نمیتوان آن‌را در باره اشیاء یا کیفیاتی که پیش از پیدایش انسان وجود داشته و یادر خارج از محیط انسانی هستند اطلاق کرد

اگردرموجودات زنده بسیاری ازاعضاء اعمال مخصوصی دارند برای هر عضو نباید از پیش لزوما عملی قائل شد.

امروز ما اعضا و اعمال یا ساختمان هائی میشناسیم که نه تنها برای موجود سودی ندارند بلکه در بسیاری موارد ، زیان آنها تمام میشود! همه از ضمیمه‌اهور (اپاندیس) روده بزرگ با اطلاعید و میدانید که اغلب این ضمیمه موجب پیدایش بیماری‌اپاندیسیت میگردد که گاهی زندگی بیمار را بمخاطره می‌اندازد این عضو به هیچوجه عمل و فایده‌ای ندارد و آنرا باید ماترک اجدادی نوع انسان دانست .

بسیاری از اعمال طبیعی مانند زایمان با دردهای تحمل ناپذیر و بیفایده‌ای همراه است حال آنکه بعضی امراض مهلک از قبیل سرطان بدون آنکه مریض بر آن اطلاعی پیدا کند یا با جزئی درد همراه باشد مراحل مقدماتی خود را می پیماید و بهمین جهت هنگامی که مرض به‌آخرین مرحله تکامل خود میرسد و دیگر علاجی بر آن متصور نیست انسان بوجود آن پی میبرد .

پروانگانی که هنگام شب گردچراغ یا شمع میپرند خودرا در آتش میسوزانند این غریزه که به مرگ آنها پایان می یابد جز تولید افکار شاعرانه نتیجه دیگری ندارد .

اینها همه اعمال یا اعضائی هستند که وجود آنها بزیان موجود تمام میشود میان ساختمانهای بیفایده و بیضرر نمیتوان رنگ گلها و شکل برگها ووضع قرار گرفتن آنها بر روی ساقه و غیره رامثال آورد شماره اعمال و ساختمانهائی که در موجودات زنده بیفایده و بلکه مضرند بسیار زیاد است بطوری که امروز دیگر کسی در طبیعت هدفی نمیشناسد و به علت غائی عقیده ندارد

محیط خارجی موجود زنده چنانکه بعداً خواهیم دید در شکل و ساختمان و خواص مختلف آن تاثیرفراوان دارد .

البته این موجودات تا آنجائی می تواند بر جای مانده و بزندگی ادامه دهند که پیدایش این صفات به مرگ آنها منتهی نشود در غیر اینحالت موجودات برای همیشه از نظر ما نابودمیشوند و ما نیز هیچگاه بوجود چنین صفاتی بر نمیخوریم بنا براین صفاتی که در موجودات زنده می بینیم آن هائی هستند که مورد استفاده موجود قرار می گیرند و یا دست کم ضرری متوجه موجود نمیسازند و یا آنکه بالاخره موجود مضار آنها را مانند شخصی که به بیماری سل مبتلا باشد یا کسی که از دو پا ناقص است تحمل مینماید

فراموش نشود که صفات مفید علت ادامه زندگی نیستند زندگی موجودات زنده بستگی با مبارزه آنها باعوامل محیط خارجی و موجودات جانداز دیگر دارد تنها عامل اصلی ادامه زندگی همین مبارزه است.

فوت سلیمان اسکندری

را تسلیت میگویند

مشهد

شورای مرکزی اتحادیه کارگران ایران رونوشت رهبر رونوشت مردم - رونوشت آذیر خبر مرگ سلیمان محسن اسکندری در میان کارگران خراسان تاثیرشدیدی تولید کرده‌ما بجامعه کارگران ایران مخصوصا ایرج اسکندری تسلیت میگوئیم کمیته ایالتی اتحادیه کارگران خراسان ـ حسن جامعی

•••

مشهد

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۳ رونوشت رهبر مردم آذیر از فوت سلیمان محسن اسکندری آزادی خواه معروف وعضو فعال حزب توده ایران بی‌اندازه متاثر به تمام رفقای حزبی وآزادی خواهان تسلیت میگوئیم روانش شادباد

مظفر کنگرلو

•••

میانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران رونوشت نامه رزم رونوشت نامه مردم به مناسبت فوت مرحوم سلیمان محسن اسکندری بتمام رفقای حزبی مخصوصا باعضای کمیته مرکزی عرض تسلیت نموده و امیدواریم حزب آهنین توده صدها آزادیخواه با شهامت وفداکاری مانند اسکندری تربیت و بجامعه ایرانی تقدیم خواهد کرد

ازطرف کمیته میانه بقیه

•••

ازالیگودرز

کمیته حزب توده

رونوشت رهبر در مصیبت وارده فوت مرحوم سلیمان میرزا خود را سهیم و بعموم بازماندگان آنمرحوم تسلیت عرض مینماید ـ علی خابانی سنجری ایران - ورلباریان خورن اسماعیل

•••

از قم

کمیته مرکزی حزب توده ایران رونوشت شورای مرکزی اتحادیه کارگران رونوشت روزنامه رهبر رونوشت روزنامه مردم رونوشت روزنامه آذیر رونوشت روزنامه ایران رونوشت روزنامه آزادگان بدینوسیله تاثر می پایان خود را نسبت بفوت فقید سعید مرحوم سلیمان محسن اسکندری که تمام ایام زندگیش در راه دفاع آزادی و حقوق زحمتکشان و حفظ دموکراسی حقیقی صرف شده بود ابراز میداریم محسن اسکندری مرحوم شدولی روح آزادیخواه او در حزب توده باقی است ـ کمیته قم

•••

از شاهرود

کمیته مرکزی حزب توده ایران

٤ رونوشت رهبر آذیرمردم خانواده محسن اسکندری تهران کارگران رنجبران و کارمندان کمیته ایالتی حزب توده ایران و ازگرگان گنبد کابوس شاهرود دامغان سمنان گرمسار بوسیله اینجانب فوت سلیمان محسن اسکندری عضو فعال و سرپرست کمیته مرکزی حزب توده ایران و طرفدارجدی و حقیقی آزادی خواهان ایران رااز صمیم قلب بخانواده بنام آزادیخواهان ایران تقدیم داشته و جلسه ختم و تذکری از طرف کمیته محلی شهرستان شاهرود در مسجد غربااز ساعت سه الی ٥ بعداز ظهر امروزمنعقد خواهد بود ـ سرپرست کمیته ولایتی حزب توده ایران اسکندرسرابی

•••

ازاصفهان

کمیته مرکزی حزب توده ایران شورای مرکزی اتحادیه کارگران کمیته رهبر کمیته‌مردم کمیته آذیر خبرفوت یگانه رادمرد فقید سلیمان میرزا اسکندری در اصفهان بین عموم آزادیخواهان مخصوصا افراد حزب توده و کارگران و دوستان آن مرحوم ایجاد تالم وتاثر شدیدنموده اینک کمیته ایالتی حزب توده ایران در اصفهان ازطرف خود و کلیه اعضاءبا یک قلب دردناک به عموم افراد حزب توده ایران وآزادیخواهان خصوصا فامیل آن مرحوم تسلیت گفته ونام سلیمان اسکندری برای همیشه درقلوب کلیه آزادیخواهان باقی خواهد ماند و روز سه‌شنبه از ساعت دو تا پنج بعد ازظهر از طرف حزب و اتحادیه کارگران در مسجد شاه مراسم سوگواری با عمل خواهد آمد

کمیته ایالتی حزب توده ایران اصفهان

•••

شاهرود

کمیته مرکزی حزب توده ایران ٤ رونوشت رهبر مردم آذیر خانواده آقای محسن اسکندری. مازحمتکشان و کارگران راه آهن ایستگاه شاهرودالی دامغان فوت سلیمان محسن اسکندری عضو فعال و رهبر کمیته مرکزی حزب توده ایران طرفدار حقیقی کارگران و رنجبران ایران را از صمیم قلب به خانواده آن مرحوم وبه تمام کارگران و رنجبران ازصمیم قلب تسلیت گفته خودرا نیز در این مصیبت عظیم شریک آزادی خواهان ایران می‌دانیم .

از طرف کمیته محلی راه آهن شاهرود رازی

•••

از تبریز

کمیته مرکزی حزب توده ایران رونوشت ایرج اسکندری به خانواده مرحوم اسکندری رونوشت نامه رهبر رونوشت مردم خبررحلت سلیمان محسن اسکندری نه‌تنها میان اعضای حزب‌توده ایران تشکیلات آذربایجان بلکه دربین عموم آزادیخواهان بانهایت تاسف تلقی گردیده سلیمان محسن اسکندری‌عمری درراه آزادی صرف کرده و هرگونه نا ملایمات ومشقات‌را تن‌درداده دراین صحنه پاک وارد شده وظایف اجتماعی خود را بدقت وبصحت انجام داده و تا آخرین دقیقه عمر خودرا از آزادی ایران دفاع نموده و به‌تقویت‌آزادیخواهان کوشید حزب توده ایران تشکیلات آذربایجان نام تاریخی اورا هرگز فراموش نخواهد کرد و با توسعه تشکیلات‌خود دراجرای مرام ومقصود او از هیچگونه فعالیت‌دریغ نخواهدداشت امید است که اعضای حزب وتمامی آزادیخواهان درهمه جای ایران از مرحوم اسکندری پیروی کنند تاملت ایران نیرومند و آزادیخواهان سربلند شوند . از طرف کمیته ایالتی اردشیر علی امیرخیزی

امروز وفرداشماره ۱۹۹۱

مرگ سلیمان اسکندری

سه‌روز قبل سلیمان محسن اسکندری آزادیخواه معروف ایران مرد و با مرگ خود حزب توده وعموم آزادیخواهان ایران را عزادار ساخت.

سلیمان اسکندری کسی بود که تمام دوران فعالیت شصت و هفت سال عمرخود را در طریق کار های اجتماعی ودر راه مبارزات سیاسی بکار برد وبرخلاف اغلب افراد این مملکت از ابتداء عمر تشخیص داده بود که غیر از زندگانی فردی و خصوصی بایستی‌دارای یک حیات‌اجتماعی و عمومی‌بوده و زندگانی فردی خویش‌را تابع و تحت الشعاع زندگانی اجتماع‌خود قرار دهد و بهمین جهت تاآخرین لحظات حیات خود در پیشرفت کار های سیاسی و اجتماعی میکوشید. علاوه‌براین سلیمان اسکندری در تمام ادوار زندگانی خودو در جمیع مراحل فعالیت سیاسی واجتماعی خویش همیشه جزء و پیشرو نهضت ها و جنبشهای ترقی خواهی بوده و تمام‌فعالیت خود را در راه‌ترقی‌وپیشرفت های‌اجتماعی صرف کرده‌وبا ارتجاع وبرگشت بقهقراء مبارزه نموده است.

تاریخ زندگانی سلیمان اسکندری دلیل اثبات این ادعاء است ونشان میدهد که در هر جنبش و فعالیتی که درهردوره بر اساس ترقی خواهی و برای تحصیل آزادی و مبارزه با استبداد و ارتجاع و زور و استثمار بوجود آمده سلیمان اسکندری شریک آن واز عناصر فعال و افراد فدا کار و با ایمان آن بوده است و بر همین‌اصل پس از وقایع شهریورماه ۱۳۲۰ و سرنگون شدن حکومت زور و خود سری و تشکیل حزب آزادیخواه توده بآن حزب پیوست و باوجود پیری‌و ضعف مزاج و کسالت‌مستمر تاآخرین‌روز زندگانی‌خود مانندجوانان پرشوروفعال‌در راه موفقیت و پیشرفت مقاصد آن‌حزب کوشید.

تشییع‌جنازه سلیمان‌اسکندری‌بهترین گواه برای معرفی شخص او ومهمترین سندبرای قضاوت‌درنتیجه فعالیت‌های‌سیاسی و اجتماعی او میباشد

شرکت هزاران کارگر کارخانهای طهران درتشییع‌جنازه این مرد نشان‌میدهد که طبقه کارگر که تاکنون نه‌دیگران بوجوداواعتراف‌داشتند و نه‌خودبوجودیت خویش آگاه بود اکنون بخود آمده و بادرک موجودیت خویش رفته رفته وجود خود را بر دیگران اثبات کرده و بمنزله یک عامل‌وفاکتور اجتماع محسوب خواهد گردید و بدیهی است که این امر خود بخود حاصل‌نشده‌وتتیجه مساعی ومجاهدات و فداکاریهای بسیار عناصر بیشماری مانند سلیمان اسکندری‌است که برای بیداری توده و آگاهی و هشیاری طبقه کارگر کوشیده اند.

شرکت کارگران‌در تشییع جنازه سلیمان اسکندری ثابت میکند که دیگر طبقه کارگر مصالح خود راتشخیص‌میدهد و دوستان و طرفداران خود رامیشناسد و میتواند از آنان تقدیر واز اعمال آنان پشتیبانی و تشویق کند

مرگ سلیمان اسکندری مایهٔ تاثر و اندوه عموم ترقی خواهان و آزادی طلبان‌وطرفداران‌مردم‌وزحمتکشان گردید

ما بنام حزب همرهان سوسیالیست این عزای بزرگ را بحزب آزادیخواه توده و عموم آزادیخواهان ایران تسلیت میگوئیم و امید واریم که خاطره ویادگار این آزادیخواه کهنه کار همیشه مایه تشویق و موجب هیجان‌جوانان باحرارت و آزادیخواهان پرشور ایران‌گردد

قابل توجه

آقای وزیر بازرگانی و پیشه وهنر

روزنامه رهبر رونوشت روزنامه‌ها وکلیه روزنامه های جبهه آزادی‌ا کارگران کارخانه حریر بافی چالوس از اقدامات نا شایسته مهندس ابوذر رئیس کارخانجات شمال در انتقال آقای آدابی سرمکانیسین کارخانه اظهار تنفر وانزجار نموده و از رفقای آزادیخواه خود دعوت مینمائیم که بر علیه این عنصر فاسد که در وزارت پیشه و هنر جای دیگر مهندسین لایق را غصب نموده جداً مخالفت وتنفر خود را ابراز دارند .

در خاتمه انتظار داریم که آقای‌وزیر پیشه وهنر این‌مهندس بی‌اطلاع‌ازوضعیت کارخانجات نساجی را از کار برکنار نموده تا این عنصر نالایق دیکتاتورمنش ازعملیات‌خودسرانه‌خود ضرری عایددولت وملت نکند .

ازطرف اتحادیهٔ کارگران حریربافی چالوس

نوروز علی غنچه

• • •

تا بحال چندین بار بوزارت پیشه و هنر تذکار داده ایم که دست اینگونه مستخدمین نالایق و تحریک کننده را از کارکوتاه نمائیداینک نیز جداً خواستاریم بشکایت کارگران رسیدگی شود .

رهبر

ازسراب

•••

کمیته‌مرکزی‌حزب توده ٤ رونوشت رهبرمردم خانواده اسکندری بوسیله‌رهبر جبهه آزادی باکمال تاسف ازخبر فوت سلیمان محسن‌لیدر باشهامت حزب‌همدردی خودمان را اظهار در مقابل این ضایعه عظیم وفقدان یک‌عضو باشهامت تاریخی که‌تمامی عمر خودرادر کشمکش‌باارتجاع ومداهنه درروزهای‌خطرناک میهن بپایان رسانیده دراین محیط کثیف وفراموش کارمنتها تسلیتی که‌متصور است همانا تعقیب آمال وخطمشی وتعلیم عالیه آن مردبزرگ است‌شادباد روانش که مقام او در قلوب شکسته ما وسل آتیه ایرانی جاویدان است .

ازطرف کمیته محلی حزب‌توده‌امینی

•••

سراب

نامه رهبر قضیه فوت سلیمان محسن که برای‌حزب سوگواری عظیم است اینجانب نیز بواسطه آن نامه گرامی همدردی خودرا به‌تمامی رفقاعرض‌میدارم

واقف

• • •

از شاهی

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته رهبر فوت رفیق گرامی سلیمان محسن اسکندری باعث نهایت تأسف‌وم آزادیخواهان گردیدامیدوارم‌باعرض‌راسخ مبارزه‌ای که باایشان شروع‌نمودیم بآخر رسانیم پرچم آزاد مارتین

اعزازی

از شاهی

تهران‌خیابان فردوسی کمیته مرکزی حزب توده ایران رونوشت روزنامه رهبر رونوشت مردم ضایعه جبران ناپذیر فوت آقای سلیمان‌محسن‌اسکندری رئیس کمیته مرکزی پیشوا آزادیخواهان ایران‌را بعموم افراد حزب توده ایران تسلیت میگوئیم ایرج اسکندری

• • •

از مشهد

کمیته مرکزی حزب توده ایران رونوشت رهبر مردم آذیر ضایعه عظیم مرگ سلیمان محسن اسکندری قلوب‌کلیه آزادی خواهان و شیفتگان آزادی توده های رنج دیده را داغدار ساخت کمیته ایالتی خراسان پس از عرض تسلیت مسلم است برای ترضیه روح آن فقید و کلیه شهدای راه آزادی مبارزه مقدس خود را در راه استقلال و استقرار رژیم‌دمکراسی حقیقی دلاورانه ادامه دهند

کمیته ایالتی خراسان حزب توده‌ایران

علم اقتصاد

ترجمه وتلخیص نوشین

—۱۷—

اینك بایك مثال مطلب‌راواضح تربیان‌مینمائیم :

درین شکل سوم ، کلیه کالاها از هرنوع که باشند ارزش خود را فقط بواسطهٔ یك نوع کالا بیان مینمایند • یعنی گندم و شیر و پارچه و نفت و کلیه کالا های دیگر ارزش خود را مثلا بواسطه کبریت بیان میکنند و سلسله‌معادلات به این شکل تازه در میآید :

یك من گندم
نیم من سیب زمینی
یك لیتر نفت
بیست عدد تخم مرغ
یك کیلوگوشت
دو لیتر شیر
و غیره
= ۱۰۰ قوطی کبریت

این شکل جدید چنانکه گفتیم مولود شکل تکامل یافته است ، و در نگاه اول چنین بنظر میرسد که هیچگونه تفاوتی بین آنها نیست • زیرا اگر درمثال بالا طرفین معادله را معکوس کنیم ، یعنی صد قوطی کبریت را طرف دست‌راست و کالاهای دیگررا طرف چپ بنویسیم سلسلهٔ معادله شکل دوم (شکل تکامل یافته) بدست میاید •

ولی در حقیقت چنین نیست • خوب دقت کنید ! در شکل تکامل یافته دیدیم که یك کالا برای تعیین ارزش خود عده بیشماری « آئینه » در پیش‌داشت و ارزش خود را در تمام آنها میدید • اما در شکل سوم (شکل عمومی ارزش) مطلب بکلی برعکس است • یعنی در اینجا کلیه کالاها برای تعیین ارزش خود فقط یك آئینه در پیش دارند و ارزش خود را فقط درآن میبینند • آن آئینه در مثال ما کبریت است •

ازطرف دیگر می‌بینیم درشکل سوم (شکل عمومی ارزش) کالائیکه بشکل **معادل عمومی** (Équivalent général) یا **«مقیاس عمومی ارزش»** بکارمیرود ، رل‌خاصی رابازی میکند که دردوشکل اول نداشت .

برای توضیح مطلب یك‌مثال میزنیم .

وقتی مثلا من ببازار میروم و میخواهم بدانم بهای یك‌من گندم چقدراست؟ بمن میگویند ۸۰ قوطی کبریت • باز میپرسم بهای یك‌لیتر نفت چقدر است ؟ میگویند ۴۰ قوطی کبریت• بهای یك‌چارك سیب زمینی ؟ ۲۵ قوطی کبریت .

موضوع گفتگوی حوزه ها — احمد قاسمی

جامعه را بشناسید

۴ـ اجداد اولی ما چطور زندگی میکردند ؟

برای اینکه موضوع روشن بشود به‌بینیم اجداد اولی ما یعنی اولین‌افراد بشر که درروی زمین پیدا شدند چطور زندگانی میکردند •

برای اینکه بتوانیم زندگانی آن افراد را در نظرمان بیاوریم‌بایدزندگانی امروزی ا تباع را ازنظرمان دور کنیم چونکه این دو زندگی با همدیگرخیلی کم شبیه هستند• ۱۰ باید فراموش نکنیم که در آن وقت هیچکدام از صنعت های امروز وجود نداشت وبشری که تازه در روی زمین پیدا شده بود از خانه سازی لباسدوزی ، خوراك پزی وهمینطور از زراعت وفلاحت نمیتوانست سرشته‌داشته باشد • افراد بشردر جاهائی که زندگانی در آنجا ها آسان‌تر بود بصورت گله زندگانی میکردند وغذا شان عموما از میوهٔ درختها بود • در آن وقت هم‌زمین خیلی از حالا حاصلخیزتر بود و بخوبی کفاف غذای آنها را میداد چونکه درخت غذای خودش را یك قسمت از زمین می گیرد ویك قسمت از هوا ـ از این جهت وقتیکه میوه‌هاش یا شاخه هاش یا تنه‌اش خشك میشود و روی زمین میریزد بیشتر از آن مقداری که از زمین گرفته بزمین ماده غذائی میدهد ، و نتیجه این میشود که زمین جنگل هیشه پرقوت وحاصلخیز است•

در آن زمان که هنوز بشر درخت ها را برای سوزاندن یا خانه ساختن یاکارهای دیگر از بین نمی‌برد زمین همیشه حاصلخیز بود باطوریکه غذای انسان را بخوبی میداد •

ما افراد اولی بشر را ندیده ایم که چطور زندگی میکردند ـ اما گذشته از اینکه علوم امروزی تا حدی زندگانی آنها را کشف کرده است تا قرن نوزدهم دربعضی از ناحیه های روی زمین ومثلا در بعضی از نقاط افریقا وامریکا مردمانی بودند ـ و شاید هنوز هم مثل آنها باشند ـ که تقریبا زندگانی طبیعی داشتند و بهمین طرزی که ما شرح دادیم بسر میبردند ؛ و ما از روی زندگانی آنها میتوانیم زندگانی افراد اولی بشر را بفهمیم • در قبیله های بشر اولیه همه کار میکردند و نتیجه کار خودشان را در اختیار قبیله میگذاشتند و باین طریق همه از کار هم استفاده مینمودند • مثلا هرکسی میوه هائی را که جمع کرده بود بانبار مشترك خانواده می‌آورد و هرکسی ازآن انبار باندازه خوراك‌خودش برمیداشت • شاید بپرسید که چطور بود که هیچ کس از کار کردن شانه خالی نمیکرد و درسر تقسیم محصول کارها بدیگری ظلمی روا نمیداشت ؟ برای اینکه این فکرها اصولا مال جامعه امروزی ماست ودر آن روزگار بخاطر هیچکس نمیرسید که کار نکند و نان بخورد ، و یا در سر چیزی حرص بزند • بهترین دلیلش همین زندگی طبیعی بشر است که نمونه های آن در افریقا وامریکا نظر دانشمندان را بخودش جلب کرده•

یکی ازفرق‌های بزرگی که میان جامعه آنروزوجامعهٔ امروزی ماوجوددارد اینست که درجامعه اولیه فرقی‌میان حق وتکلیف وجود نداشت ، باین معنی که ما امروز مثلا پیش خودمان میگوئیم‌تکلیف ما نسبت‌بجامعه اینست که‌کار کنیم وحق ما اینست که ازجامعه برخوردار شویم • اما بشراولیه میان اینها فرقی‌نمیگذاشت و هیچ وقت مثلا از خودش نمیپرسید که خوردن و خوابیدن و شکار کردن برای او یك حق است یا یك تکلیف ـ او همانطور که میخورد و میخوابید همانطور هم بشکار میرفت و کار میکرد ونظم قبیله را مراعات مینمود •

« مختاری نباید در زندان » باشد !

بقیه ازصفحه۱

که آب جانورآدمیخوار یاجناب‌سرپاس مختاری گاهی هم برای رفع دلتنگی‌بانوی گرامی خود قدم از دارالعیش مصفای خویش فراتر نهاده ساعات متمادی دل دوستان وفادارش را در آتش‌غیبت خود کباب میکند ! و ازکجا معلوم که درطی این ساعات عشق نمایندگی ملت بر سرش تتاخته و در گیر و دارمبارزه‌انتخاباتی نباشد ؟!

در این صورت چگونه باید قانع شد که شما که درمرکزاین کشوراقامت‌دارید از اینموضوع و این جریان بی اطلاع باشید ؟!

شما مینویسید « معلوم نیست‌بچه‌علت شهربانی بین‌این‌محکومین که‌ازوحشی‌ترین و خطرناکترین جنایتکاران بوده وقاتل آزادی و آزادیخواهان ایران میباشندبا سایرمتهمین‌ومحکومین‌دیگرفرق گذاشته...» عجب !

سراسر روزنامه های شما و سایر روزنامه های زیر پراز شرح همین علل است ، باز شما مینگارید : معلوم نیست‌به چه علت••••••؟! چرا معلوم نیست ؟

مگر شما در اغلب مقالات خود فریاد نمیزنید که : ای توده گول نخورید غافل نباشید ، بکشت مرتجع ، بکشت دزد و خائن شما را و کشور شما را و دموکراسی شما را مسخره کرده‌بخوردن خون شما ، به‌پایمال کردن حقوق‌فردی و اجتماعی شما ؛ بکشتن تدریجی شما مشغولند ؟ ! مگر شما همواره بگوش‌این مردم فرونمیخوانید که : ای مردم ، هنوز هم شاگردان زبردست‌مکتب دیکتاتوری بهترین مقامات دولتی و ملی را دردست داشته بر شما فرمانروائی میکنند ، بشما زور میگویند ، از جنب وجوش وفعالیت شما عصبانی شده میخواهند محکمترین زنجیرهای بندگی وبردگی را بدست و پای شما بگذارند ، باکمك پول‌وسرمایهٔ خود که محصول بیست سال دزدی است در صدد بیچاره کردن شماهستند ، و مشت مهیب‌ارتجاع را میخواهندباشدید ترین وجهی بر مغزخسته شما فرو کوبند مگر شما نمیگوئید که توجه های پشت هم انداز گود رضا خانی هشت‌پا ازمرشد خود جلو افتاده و روی او را سفید کرده‌اند ؟!

مگر شما نگفته و نمیگوئید که‌هنوز یك‌ستون‌هم‌ازکاخ‌باعظمت‌استبداد وارتجاع فروریخته است ؟!!

در این‌صورت آیابا این‌عمال‌مرتجع یا این حکام مستبد و با این قضات‌قانون شکن‌باید انتظار داشت که مختاری‌خون ریز که خود یکی از ارکان مهم قصر ارتجاع است و شرکاء آدمکش ا در زندان باشند ؟!

شما متوقع بودید مسئولین دوائر شهربانی که غالبا از طبقات منفورجامعه باین خدمت برگزیده شده و در دستگاه وحشتناك و جنایت بار مختاری پرورش یافته اند و هنوز هم بافتخار ستمکاریهای گذشته سینهٔ فراخ خود را به چشم مردم میکشند ، ولینعم‌خود را مطابق‌انتظار توده در چهار دیوار زندان بلیرالی کرده و حکم اعمال شاقه را دربارهٔ او اجرا واعمال نمایند ؟ ! ! هیهات ! زهی تصور باطل زهی خیال محال !

خوب بود مختاری و شرکائش را بدست من وشما و امثال ما که شربت زهرآگین از جام دیکتاتوری نوشیده‌ایم میسپردند تا بآنان نشان میدادیم که : زندان تاریك ، زندان مرطوب ومتعفن ! یکساعت ، آری یکساعت‌زجروشکنجه و عذاب ، دست بند و پابند وشلاق ، تحمل دشنام و اهانت از پاسبانان بی سروپا با روح بلند و قلب پراز احساسات و عواطف یك‌زندانی‌حساس‌وبیگناه‌چه‌میکند وچگونه آن را درآتش هولناك وجهنم گدازی میسوزاند ؟! گرچه این جانوران فاقد هرگونه عواطف و احساساتند‌خوب بود مختاری و همدستانش را بدست ما میسپردند تا بآنها میفهماندیم ، که یکنفر زندانی مظلوم و بیگناه وقتی پدر ومادر و زن و فرزند و عرض وشرف‌وناموس خودفکرمیکند‌چقدر زجرمیکشدوچه‌اندازه رنج میبرد

مختاری در زندان‌نیست ؟ چه‌اهمیت دارد ! آیا سیزده ملیون کارگر ورنجبر و برزگر و روشنفکر بعوض آنها در زندان‌فقر وفاقه وپریشانی‌وسیه‌روزگاری دست وپا میزنند کافی نیست ؟

شمامینویسید « ما جداً بازگشت‌این جنایتکاران را بزندان و اجرای کامل و تشدید حکم دادگاه که درحقیقت بهیچ وجه برای جبران جرائم‌آنها کافی‌نیست ازدولت وشهربانی‌خواستاریم»

کدام دولت ؟ کدام شهربانی؟ کدام دادگاه ؟ همانهائیکه خودتان بتوده‌معرفی میکنید ؟ همانهائیکه پای زور و ظلم بر حلق توده نهاده و آخرین رمق آنها را گرفتند ؟

آنها مختاری و شرکائش‌رابزندان برگردانند ؟! پس چه کسی آنها را از زندان خارج ساخته ؟ شما را بخدا این معما را برای من حل کنید و مرا که فردی از توده هستم از گمراهی نجات بخشید !

این کشورو مختاری وزندان ؟! این ملت ومختاری وکیفر واقعی ؟

مگراز اول ، از آنساعتی که‌محکمه قانونی ؟! مختاری را بچند سال حبس « استراحت » با اعمال شاقه « تفریح کامل » محکوم نمود برشما مشتبه بود که بر سر مردم بیچاره ایران شیره مالیدند و با یك لاف‌لاف مضحك و فریبنده‌این ملت کهن ششهزارساله را مانندیك کودك ششماهه بخواب کردند ؟!

آیا سزا و کیفر مختاری وهمدستانش همین بود که تعیین شد ؟ اگر مختاری و همکارانش را بسرك محکوم میکردند و بخون میکشیدند آیا بهای یك قطره‌خون پاك آن راد مرد آزادی پرست ایرانی « مرحوم دکتر ارانی » میشد ؟ یا به یك لحظه جان کندن مرحوم فرخی میرسید ؟

آیا انتقام اشکهای گرم وناله‌های جانسوز مادران داغدیدهٔ این کشور ، و تلافی بیچارگی و سیه بختی بیست ساله این ملت ، وبالاخره بهای خون شهدای آزادی و آزادیخواهان ایران این قدر مختصر وناقابل وبی‌ارزش بود ؟ آیا در ایران فقط یك مختاری‌داشتیم ؟

چرا از آن سرهنك مختاری که قوم و خویش سرپاس مختارورئیس تشکیلات گیلان بود و من خود مدتها شاهد فجایع اعمال‌اوبودم اسمی برده‌نشدوبرعکس هم اکنون برمسند عزت و جبروت خود قرار دارد ؟!

آیا ازمیان میلیونها مختاری یك مختاری را گرفتن و با آن بساط شاه صنم بازی وبزرا برکرسی استراحت و آسایش نشاندن جزفریب ملت‌چیز دیگر میتواند بود ؟

یکی از دوستانم میگفت : اگر مختاری را بعوض اینهمه جنایات و اینهمه جنایات بقدر یك بادنجان فروش که پنجسیر بادنجان‌دزدیده باشد مجازات میکردند یعنی فقط پنج ضربه شلاق میزدند وآزادش میکردند ، بازمیتوانستیم بدولت‌وقانون وهمه‌چیز کشورخودامیدوار باشیم ؟! آری اینطوراست .

شما هم این چیزهارا خوب‌میدانید ، ما افراد توده نیز بوسیلهٔ گفتاردرست و هدایت شما باین مطالب آشنا شده‌ایم ، ولی بازهم مینویسید « وهمچنین باید اشخاصی که برخلاف قانون بآنها کمك نموده و آنها را از مجازات قانونی مستثنی ساخته‌اند معلوم وجداً تعقیب و مجازات شوند »!

این اشخاصی که مورد نظر شما هستند در کدام یك از امور کشور بر خلاف قانون رفتارنکردند ، ودرچه‌موردی حق ملت را پایمال نساختند ؟ و در این صورت کسانیکه باید این اشخاص را تعقیب ومجازات کنند کیستند و کجایند؟! مگرشما این‌اولیاء امور کنونی را بمردم معرفی‌نکردید ودراین‌خصوص آب‌پاکی به دست‌مردم نریختید ؟!

مگر شما توده را به تشکیلات و اصلاحات آتی ـ زب نیرومند توده ایران امیدوارنساختید ؟

پس خوب بود که این مطلب اخیر را نگه میداشتید تاوقتیکه نمایندگان واقعی ملت با مجاهدت وفعالیت افراد حزب توده ایران بمجلس میرفتند و اصلاحات خود را طبق برنامه‌قابل تقدیس این حزب آغاز میکردند ، آنوقت شما نیز این جمله را مینگاشتید که طرف خطاب و تقاضای شما اشخاصی باشند که جز حفظ حقوق‌ملت وآزادی کشوروپشتیبانی ضعفا و رنجبران وکارگران‌هوس دیگر در سرنداشته و منظورشمارا نیز بلاتأثر نگذارند !

بنا بهمه اینها که گفته شد بمن حق میدهید که عدم اطلاع شما رااز‌موضوع « آزادی و خوشی مختاری و شرکائش » باور نکنم‌وبگویم مخصوصا در اینجاتجاهل نموده و چنین وانمود کرده اید که خبر مندرجه‌در«رعد امروز» شمارا باینموضوع متذکر ساخت •

مابچه‌نظر رأی میدهیم•

بقیه ازصفحه۱

بانتخابات خیلی علاقمند هستید چه کردید گفتم من واشخاصیکه دوروبرمن بوده‌اند میدهد واین قدر شعور ندارد که بداند کسانیکه ملت رابااین‌روزگار انداخته‌اند اغلب‌همین‌هاستند که‌برای‌ملت « باستثنای چند نفرصافدل » دمبخت میدادندوبازهمین هاهستند که‌نرخ رأی رابیست وسی‌تومان بالا برده‌اند• ودانشمند ودریای علم‌بودن کسی‌نیزدلیل‌این‌نمیشود که‌این‌شخص صلاحیت وکالت راداشته باشد بلکه بعضی ازاینها نیز دشمنان توده استدیده هستند زیرااگر اینها ازعلم‌خود درفکر استفاده مادی‌نبوده باشند اتلاف بامحتکرین‌ودشمنان‌بشریت را بخودعار میدانند وآن نفوذ را که از راه دانش ازتوده بدست آورده اندبنفع محتکرین‌خرج نمیکنند دانشمندیکه‌نشستن سرسفره محتکرین وهمپیاله بودن باآنها رابرای‌خودافتخارمیداند این شخص‌دشمن حقیقت است زیرا وقتیکه دانش بکمالی رسد طلا را با آهن والماس رابا سنك یکسان‌میداند هستی‌دنیا درنظر دانشمندان آن‌ارزش راکه‌در نظر پول اران وساده پرستان دارد گم میکند .

بالاخره مدیر گفت‌پس‌شما اشخاص را باچه‌نظر انتخاب میکنید گفتم آقای مدیر ما با شخاص کارنداریم‌اگرماکاندید های حزب توده را انتخاب میکنیم برای این‌است اینها اشخاص صاحبرام هستند و گذشته زندگی آنها وفداکاری هائی که درراه مسلك خودنشان دادهاند این‌حقیقت راروشن میکند علاوه براین کسانیکه از طرف حزب انتخاب میشوند نمیتوانند بر خلاف مرام توده درمجلس حرفی بزنندو هرپیشنهادیکه آنها درمجلس میکنند اول درحزب مطرح میشود اگر برخلاف آن رفتار کنند حزب آنهارا تعقیب میکند و درموقع خود انتقام میکشد لیکن کسانی که بازور پول مقام وکالت‌را بدست می آورند بهیچوجه ممکن نیست بنفع ملت سخنی گویند ودرمقابل کسی نیز خود را مسئول نمیدانند چرامات این‌قدر درغفلت است چرانمیدانند که‌اینها این پولهارا بی جهت خرج‌نمیکنند •

تماشا کنید آقای مدیر میگوید پس حزب توده چگونه میتواند برای تبلیغ مرام خود بااتوبوسها دورشهر بچرخد • گفتم بلی همین لاطایلات است که مردم رامشتبه ساخته است مردم آنقدر توجه ندارند که‌این مسئله کوچك راحل کنند که‌حزب‌توده هزارها عضو دارد وکسانی که داخل این حزبند کسان با مسلك و صاحب مرامی هستند که‌تمام دارائی خود راحاضرند دراختیار حزب بگذارند حتی ازریختن خون خود درراه پیشرفت مرام حزب هم مضایقهٔ ندارند • مدیر گفت‌پس شما که‌عضوحزب توده هستیدچقدرداده اید گفتم بدبختانه ومتاسفانه نتوانسته ام‌تاحال افتخار عضویت آنرا بدست آورم زیرا وضعیت زندگی‌من‌مانع از این خوشبختی است‌وخیلی متاسفم تاحال چنانکه آرزوی من است مادا ومعنا باین حزب مقدس که یگانه طرفدار وحامی زحمتکشان است‌نه توانسته‌ام کمکی‌بسزانمایم‌ولی درهرموقع فرصت ازفداکاری مضایقه نخواهم داشت اگرازگرسنگی‌بمیرم هرکزبنفع‌محتکرین وعمال ارتجاع کارنمیکنم• چنانکه سال گذشته درآنزمان که فقرا وگرسنگان دمبخت متمولین رابدامن کثیف خودریخته میخوردند منهم خواستم برای دبستان کر ولالها یك خانه بیست‌هزار تومانی بسازم واز مردان سخاوت‌مند کشور بنفع‌ناقص‌الخلقه‌ها استفاده کنم تااین خبر بگوش آقای محمدخسروشاهی‌وکیل‌مجلس‌رسید سفارش‌کرد که‌بانچه‌بان‌دست‌نگهدارد‌کسی خودآنمدرسه‌رابنقشه‌وتدبیرخودخواهم‌ساخت خلاصه‌ازمدرسه‌هم‌دیدن کرد وپس‌ازاینکه مارا مدتها آواره گذاشت گفت مساحی سیصد وچهارصد تومان من باکمك‌رفقایم میدهم اجاره‌محل دبستان راتامین میکنم فعلا ازفکر ساختن ساختمان صرف نظر کن ! . .

مقصود آقا این‌بود که‌با دادن این پول ازنفوذ دبستان بنفع خود استفاده و درانتخابات بدینوسیله نظر مردم رابخود جلب کند این فکراو درهمان مجلس‌بتمام حاضرین معلوم شد ومن هم‌منظور اورا دریافتم گفتم ابداً این‌قبیل چیزها بدردما نمیخورد فقط چنانکه وعده داده‌ای باید مدوسه را بسازی ••• اوخود نیز فهمید که‌بانچه‌بان کسی نیست که‌شرافت وناموس ملت راقدای منافع شخصی خود کند • بالاخره عطای اورا بلقای‌اوبخشیدیم وبا سیصد تومان ضرربا ید سخاوت خسروشاهی ازنیت خودصرف نظر کردیم• پس باید دانست کسانیکه درحزبند ویا ازآن حمایت میکنند اشخاص بامسلك و باایمانی هستند ونیت آنها مانند نیت این محتکرین نیست اگر خسروشاهی حقیقتا بانیت پیریائی‌میخواست بدبستان کمك کند پس چرا نکرد ؟

خلاصه‌پس‌ازرد‌وبدل‌شدن‌ازچندی‌این گونه گفتگواز‌خدمت‌آقای مدیربرگشتم ولی مدت سه روز کاغذیکه درته کلاهم بود بمن‌زحمت میداد . بالاخره خود رابه خانه رسانیده‌باهزار زحمت آنرا درآوردم دیدم ته‌این کاغذبست نوشته دارد تاهفتم راحاضر کنم هزار چیز ازخاطرم گذشت بعد دیدم اسم دوازده‌نفر آنجا نوشته‌شده خداشاهداست جز دوسه نفرهمشان قابل اعدام ویا اخراج ازایران بودند • این قضیه درددلم‌را دوچندان کردکه مدیران مدرسه آلت‌دست اشخاص پلیدی که سرآمدان ارتجاع هستند شده اند •••

البته اینها حتی‌الامکان درفراش ها و آموزگاران ساده‌لوح‌تر از خودشان نفوذ پیدا میکنند بنفع این ملاهین که‌اسم آنها رادر کلامم گنجانیده بودند رای‌خواهند گرفت .

ای آموزگاران ! ای‌همکاران‌عزیز هیچوقت خودرا در تحت نفوذ این قبیل مدیران بیفکر که نمیتوانند سیاه را از سفید تشخیص بدهند قرار ندهید

چاپخانه فرهنگ

رهبر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
ایرج اسکندری

صوفیه را تخلیه میکنند

واشنگتن — چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد گراند پار مفسر مخصوص رادیوی آمریکا دیشب از آنکارا خبر داده است نظر جملاتی که از طرف بمب افکنهای آمریکائی وانگلیسی بر صوفیه میشود دولت بلغارستان امر کرده است کلیه سکنه غیر نظامی از پایتخت بایالات بروند.

مفسر نامبرده ضمنا گفته است که این امر دولت بوسیله رادیوی صوفیه انتشار یافته است. این خبر مفسر بر آن است که اشخاصی که از صوفیه خارج میشوند در ایالات کشاورزی بلغارستان تقسیم خواهند شد و در آینده هم دولت بلغارستان اوامر خود را بوسیله رادیو منتشر خواهد نمود.

سارنی تصرف گردید

خطوط آلمانها در ناحیه موزیر شکافته شد

۸۰۰ میل از ایالت رونو بتصرف شوروی در آمد

مسکو — چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد اعلامیه دیشب شوروی مشعر بر آنست که روز یازدهم ژانویه نیروهای شوروی در سمت موزیر بحمله پرداخته و پس از دو روز پیکارهای شدید یك خط دفاعی بسیار مستحکم دشمن بطول سی کیلو متر و عرض پانزده کیلو متر را شکافته اند و متجاوز از سی نقطه مسکونی از جمله شهر کروچی را بتصرف در آورده اند.

در طی پیکار های روز چهار شنبه در منطقه موزیر دو هزار تن افسر و سرباز آلمانی کشته شدند.

بیست و دو تانك آلمانیها آتش گرفته و یا دچار آسیب شده است و چهل توپ و خمپاره انداز آنها از کار افتاده اند.

نیروهای جبهه اول اوکرانی از رود خانه سلوچ عبور کرده شهر سارنی و همچنین چندین نقطه مسکونی دیگر از جمله شهر دمیروبکا واقع در پانزده میلی شمال سارنی در کنار جاده راه آهن رونو ، ریلنا را متصرف گردیده اند.

آلمانیها برای نگهداری سارنی که نقطه تلاقی مهم راه های آهن میباشد تا حدود امکان کوشش کردند نیرو های ما از سمت شمال و جنوب شهر را دور زده و جلوداران آرتش ما هم با پشتیبانی جنگجویان غیر نظامی از سمت باختر به نزدیکیهای آن شهر رسیدند.

عملیات دفاعی دشمن بر اثر این ضربت های مختلف بکلی مختل گردید. آنگاه نیرو های ما بحمله قطعی پرداختند. در سارنی غنائم جنگی از جمله سی توپ و نود مسلسل و هشتاد کامیون سنگین و سیصد اسب و دویست گاری و چندین انبار مهمات و تفنك و خوار بار بدست نیرو های ما افتاده است.

در باختر و جنوب باختری نوکرو پنجاه نقطه مسکونی بتصرف نیرو های ما در آمده و در جنوب بیلایاتسرکف هم نقاط بسیاری تصرف گردیده است.

در خاور ونیتسا دشمن عده زیادی از پیاده نظام و تانکهای خود را متمرکز ساخته و شروع بیك سلسله حملات متقابل بسیار سخت نمود ولی آرتش سرخ آنها را بجایگاههای اولین خویش باز گردانیده و بیش از دو هزار نفر از آنان را کشت.

۶۸ تانك دشمن منهدم و یا از کار افتاد.

مسکو — هارلد کینك خبر نگار مخصوص خبرگزاری انگلیس خبر می دهد که ژنرال فن منشتین پس از بیست و یك روز عقب نشینی های پی در پی اینك در بخش حیاتی خطوط دفاعیش اندکی توقف نموده و در حوالی راه آهن ادسا ورشو پایداری شدید ابراز میدارد.

اکنون پیاده نظام و نیرو های زره پوش نامبرده با جلو داران نیروی شوروی که مواضع دشمن را در ناحیه خمیدگی رودخانه کشف کرده اند تماس حاصل کردند.

در جنوب بوك آلمانها مقدمات پایداری را در اطراف تولچین و حوالی محل تقاطع راه آهن زمریکا فراهم ساخته اند تولچین در ۱۵ میلی جنوب ناحیه خمیدگی رودخانه و ده میلی شمال راه آهن قرار دارد.

در عین حال شاخه های گازانبر نیروی شوروی که متوجه سد مستحکم دیگرفن منشتن است مشغول بهم آمدن میباشد. این سه دژ عبارتند از چیه توکا که در محل تقاطع راه آهن کروستن ستارنویل و بردیچف — کوول قرار دارد.

۲ — وینیتسیا که حوالی زمرنیکا را حفاظت میکند. اسپیلا که مجراست و دو شکافی که ارتش های واتوتین و کونیف برای محاصره کردن نیروی خصم ایجاد کرده قرار دارد. درانتهای باختر جبهه ژنرال واتوتین آلمانها قادر بنگهداری خطوط دفاعی خویش در باختر نووگراد ولینسکی نیستند و پیوسته بسوی مرز ۱۹۳۹ ایستان عقب میروند و از طرف دیگر مرز سه سنون دیگر از نیروی شوروی پیشرفت خود را در امتداد راههای سارنی و کرس توبول و رونو همواره ادامه میدهند.

تهاجم ارتش سرخ در جبهه های جنوبی روز بروز وسعت مییابد و اینك بصورت یك حمله عمومی از بخشهای شمالی کیف و انتهای جنوب ناحیه خمیدگی رود دنیپر تا شبه جزیره کرچ در آمده است.

مسکو — دنکان هوبر فرستاده مخصوص خبرگزاری انگلیس در مسکو امروز اعلام داشت که جنگجویان غیر نظامی شوروی برای راهنمائی قوای شوروی که مشغول عملیات تجاوزی هستند از پناهگاه های خویش واقع در ماندآب ها خارج میشوند جنگجویان ارتش سرخ گذشتن از اسلوش اولین رودیکه راه آنها را به خاك لهستان قبل از جنك سد میکرد اکنون در جلو یك عده رود های دیگر مانند اسلوش قرار گرفته اند.

تقریبا ۸۰۰ میل مربع از خاك رونو بوسیله واحد های شوروی اشغال گردیده است در نواحی دیگر جبهه جنوب ارتش سرخ بعقب راندن دشمن با وجود ابراز مقاومت شدید ادامه میدهد.

ژنرال واتوتین به پیشرفت خویش بطرف راه آهن شپتکو ادامه داده و اکنون قوای وی به ۱۲ میلی اشغال باختری راه آهن رسیده اند.

•••

مسکو — خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد بر طبق آخرین اخباری که از جبهه رسیده ارتش سرخ امروز به اولانو ۱۰ میلی بوك واقع در جاده مهم جنوب بردیچف نزدیك شده اند.

قوای شوروی مشغول نبردهای سخت با تانك و نیروی پیاده نظام میباشند ولی در حال باز کردن راهی بسوی جنوب در جهت جاده بردیچف — لیونار بوده و اینك بسوی جریان علیای بوك پیش میروند.

خبرهای کشور

معرفی

دیروز آقای اشرفی معاون نخست وزیری و آقای سروری معاون وزارت کشور بوسیله آقای نخست وزیر بحضور شاه معرفی شدند.

دروزارت امور خارجه

ساعت یازده صبح پریروز آقای میخائیلف سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی د وزارت امور خارجه آقای ساعد وزیر امور خارجه راملاقات نمود.

دروزارت فرهنك

ساعت ۱۰ و نیم صبح دیروز چهار نفر از نمایندگان انجمن فارغ التحصیل های دانشسرای تربیت بدنی در وزارت فرهنك آقای دکتر صدیق را ملاقات نموده وتقاضاهای انجمن را بایشان اطلاع داده اند.

توزیع کوپن نان بهمن ماه ۱۳۲۳

دیروز آگهی زیر راجع بتوزیع کوپن نان از طرف اداره جیره بندی انتشار یافته است:

چون قریبا کوپن نان بهمن ماه توزیع خواهد شد برای آنکه هنگام مراجعه دارندگان سوش کوپن دیماه بمحل توزیع کوپن ایجاد زحمتی نشود از تمام ساکنین تهران تقاضا میشود سوش کوپن نان دیماه خود را قبلا با خط خوانا تهیه کرده واز حالا موجود داشته باشند که بمحض شروع بتوزیع کوپن نان بدون اندك وقفه وتاخیر بتوانند سوش تکمیل شده خود را باکوپن بهمن ماه در نقاطی که معین خواهد شد تحویل کنند.

بدیهی است چنانچه سوش کوپن های نان دیماه تکمیل نشده باشد بمراجعه کنندگان کوپن نان بهمن ماه داده نخواهد شد.

رئیس اداره کل جیره بندی — ی. س. فرکسن

رسیداعانات

دفتر اعانه ای برای « اول میك بریتیش لجن ایبل » در تهران باز شده و عده زیادی اعاناتی باین انجمن داده بودند اینك بطوریکه آقای دویس کنسول دولت انگلیس در تهران خبر میدهند مجموع اعاناتی که تا کنون از این بابت واصل گردیده و رسید آن را از لندن دریافت داشته اند ۱۳۱۰ لیره میباشد

توزیع تعرفه واخذ آراء

رضائیه — ۱۹ انجمن نظارت از ۱۸ جاری شروع بتوزیع تعرفه واخذ رای نموده در روزهای ۱۸ و ۱۹ — ۷۵۰ تعرفه صادر و ۷۳۹ رای اخذ شده ۱۱ رای بمناسبت صغر سن باطل گردیده است

خاتمه انتخابات

سبزوار — ۱۹ انتخابات سبزوار و حوزه های فرعی بکلی خاتمه یافت آراء به ۱۲۱۲۴ بالغ گردید آقای طباطبائی مدیر تجدد ایران ۸۸۸۳ آقای پروسن گنابادی ۸۳۱۹ آقایان طباطبائی در درجه اول پروین گنابادی در درجه دوم باکثریت انتخاب شده اند.

اعضای حوزه ۲۰ بخوانند

بدین وسیله بکلیه اعضای حوزه ۲۰ حزب توده ایران اطلاع داده میشود که جلسات هفتگی این حوزه روزهای سه شنبه ۶ بعد از ظهر در محل کلوب مرکزی حزب تشکیل میشود. لازم است کلیه اعضاء جهت اجرای برنامه جدید مرتبا در روزهای مقرر در ساعات مذکور حضور بهم رسانند

ناظم حوزه شماره ۲۰ حزب توده ایران — بدر قوی

کم محلی

بقیه از صفحه اول

حواله های خصوصی و سری اشکار شد آب از آب تکان نخورد، هر چه گفتند آنها شنیدند و کم محلی کردند

یك وزیر اول رفت وزیر دیگر رو پوشی کرد.

وزارت کشاورزی پنبه های انحصاری را بدوستان و رفقای متنفذین آنجا فروخت آقای وزیر جدید در مجلس شوری در مقابل چند صد جفت چشم و گوش و کیل وزیر و روزنامه نویس و تماشاچی اختلاس را اعلان کرد

دیوان کشور و کیفر و جزاء و تمیز یکباره به تك و دو افتادند دوسیه ها را در معرض تجربه و امتحان قرار دادند بازرسی و وارسی و بازبینی و بازپرسی کردند وقتی سرو صدا ها کم شد روزنامه ها بکار دیگر پرداختند همه از مدعی خصوصی و عمومی از وزیر تا انبار دار تبرئه شدند

در نتیجهٔ کم محلی تمام قضایا بی‌دارام و دوروم بی غوغا و جنجال خاتمه پیدا کرد

انتخابات شروع شد، بعد از مکاتبه های شور و شیرین تلفن های پی در پی مذاکرات خصوصی، تغییر و تبدیل مواد قانون نظامی و لزوم حکومت دموکراسی بالاخره انتخابات از قید آزادی خلاص شد.

دسته دسته کارگر، مامور دولت، عمله های شهر داری، سیورهای برزنها، سیم کش های کارخانه برق، فراش‌های ادارات دولتی، حتی مریض های مریضخانه های عمومی رای های سفارشی را در صندوق ریختند کوپن های قماش بابهترین اسلوب دلارهای تقلبی شناسنامه های دسته جمعی چاپ و فراهم شد

انتخابات لواسانات با آن همه افتضاح خاتمه پیدا کرد رأی گرفتن شمیرانات با سلام وصلوات به پایان رسید

انتخابات گرمرود، زابل، بنی طرف بنفع رفیق آقای وزیر، مالك، وکیل، و رفیق ا تاندار خاتمه پذیرفت

انتخابات خبین واهواز بر طبق مزایده بفروش رسید

ستون سراید از قانون شکنیها، اعمال نفوذها، قشون کشیها پر شد

کم محلی زمامداران امور شروع شد، در یکی دو جا بازرس عالی رتبه با دستورات کتبی و شفاهی فرستادند

چند روزی که از این مقدمه گذشت و کم محلی اثر خود را بدهد، جراید از نوشتن یك موضوع خسته شدند و مردم از خواندن اخبار و تعلیمات انتخابات ذله گشتند اعتبار نامه این وکلای اجباری خواهد گذشت و در تاریخ آزادی ایران افتضاحات انتخابات دوره چهاردهم جاویدان خواهد ماند

تسلیت

اتحادیه کارگران کارخانه شماره ۵

درگذشت شادروان محسن اسکندری را بعموم افراد حزب توده و اتحادیه کارگران ایران تسلیت میگوئیم

بامضاء عدهٔ از کارگران کارخانه شماره ۵

تسلیت

فوت رادمرد آزادیخواه سلیمان محسن اسکندری را با نهایت تاسف و تالم بخانواده مرحوم اسکندری مخصوصا آزادیخواهان ایران و حزب توده تسلیت میگوئیم

اتحادیه داروسازان — محمود سپیدیان

علم اقتصاد

پس دیگر وجود کبریت — از نظر ارزش استعمال — بدرد من نمیخورد. بلکه رل عمده کبریت اینستکه بجای تمام کالاهای دیگر را بیان کند. بنابراین درشکل عمومی ارزش، کبریت مانند «آئینه» بهانای کلیه کالاها بکاری رود.

از آنچه گذشت بخوبی آشکار میگردد که اگر کبریت خود دارای ارزشی (که آن ارزش مظهر مادی یك مقدار کار اجتماعا لازم متراکم در قطعی کبریت است) نباشد، ابدا نمیتواند این رل عمده را بازی کند؛ یعنی معادل عمومی کلیه کالاها قرار گیرد.

بدینطور، با وجود، تفاوتی که بین اشکال سه گانه ارزش وجود دارد، ولی جوهر ذاتی شکل ساده ارزش در دو شکل دیگر (یعنی شکل تکامل یافته وشکل عمومی ارزش) نیز موجود است واین دو شکل اخیر اشکال تحول وتکامل یافتهٔ شکل ساده میباشند.

۱۱ — پول

پول پرستی وکالا پرستی

دربخش پیش وقتی **معادل عمومی** را (یعنی کالائیکه بواسطه آن کلیهٔ کالا های دیگر ارزش خود را نمایش میدهند) تشریح میکردیم، بعنوان مثال کبریت را معادل عمومی انتخاب کردیم. و مقصود ما این بود که نشان بدهیم هر گونه کالائی که دارای ارزش باشد میتواند بعنوان معادل عمومی بکار رود.

ولی درحقیقت، در اجتماع معاصر، یك کالای مخصوص که پول نام دارد بعنوان معادل عمومی درهمه جا بکاربرده میشود. وبدینجهت شکل مبادلات اجتماع معاصر را **پولی** مینامند.

در زمان حاضر طلا کالای عمدهٔ پولی است.

ولی در زمانهای پیش چنین نبوده است

در زمانهای قدیم، چون مبادلات ابدا مانند امروز تکامل نیافته بود بدین جهت در نواحی مختلف وظیفه پول را غالبا کالاهای دیگر که در آن نواحی مصرف ورواج زیاد داشتند انجام میدادند. مثلا درقبیله هائیکه شکار حیوانات صناعت عمدهٔ آنها را تشکیل میداد پوست حیوانات؛ ودربین مللی که شبانی صناعت عمدهٔ آنها بود حیوانات زنده وسیلهٔ مبادله قرار میگرفت.

در بعضی از قبایل افریقا، اسیرانیکه از قبایل دشمن گرفته میشدند بعنوان معادل عمومی — یا مقیاس عمومی ارزش — بکار میرفتند؛ و بقول یکی ازسیاحان معروف « درین قبایل یك جوان خوشگل با یك دوشیزهٔ زیبا بمنزله پر بهاترین سکهٔ پول است »

زمینی که هر قبیله در روی آن زندگی میکرد و ازآن بر خوردار میشد بهمه اهل قبیله تعلق داشت و میان قبیله ها یك جنگل یا یك محیط غیر مسکون فاصله میشد.

حالا ببینیم در چنین محیطی افراد بشر باید چگونه باشند؟ قبلا گفتیم که افراد پروردهٔ محیط خودشان هستند پس حالا که ما تا حدی محیط را شناختیم میتوانیم چگونگی افراد را حدس بزنیم. وقتی که همهٔ افراد از یك آب و هوا بر خوردار میشوند، از یك نوع غذا میخورند، بیك اندازه برهه اند و یا یك جور پوشش دارند و نظم قبیله برای همه آنها یکسان است، در این صورت همه آنها تقریبا با هم برابر میشوند و اختلافات ظاهری و معنوی در میان آنها یا نیست و یا خیلی کم و نا چیز است.

هر کسی زندگانی مستقلی دارد که فقط هم آهنگی آن را با زندگانی قبیله حفظ میکند و بهیچ وجه تابع هیچ فردی نیست. از این جهت همه آزاد اند و فکر بردگی اصولا وجود ندارد. وقتی که قبیله ای با قبیله دیگری جنك میپردازد ممکن است آن را نابود بکند ولی ممکن نیست او را زیر تابعیت خودش درآورد چونکه آزادی با جود بشر اولیه سرشته شده و لازمهٔ وجود اوست.

پس ببینید چه فرق بزرگی میان بشر آنروزی و ما که آزادی خودمان را در ازای چیزهای کوچکی از دست میدهیم وجود دارد! ما بدون هیچ دلیلی حاضریم تسلط دیگران را نسبت بخودمان بپذیریم، ما از هر طرف درقید و زنجیر هستیم، ما آزادی را بکلی فراموش کرده ایم، وحال آنکه بشر اولیه اصولا تصور نمیکرد که زندگانی بدون آزادی ممکن است وجود داشته باشد، بشر اولیه کشته میشد وبتوسری خوردن رضایت نمیداد.

چقدر او و ما باهم فرق داریم! بقول یکی از فلاسفه شاید دیوجانس حکیم که چراغ برداشته بود و میگفت دنبال آدم میگردم و پیدا نمیکنم مقصودش آدمی بود که دارای آزادگی، استقلال، شهامت و سرفرازی طبیعی باشد. وشاید آن عارف ایرانی که میگوید: « خدایت آزاد آفرید، آزاد باش» بهمین نکته اشاره کرده است.

البته این روح آزادگی یکمرتبه و بطور ناگهانی در بشر کشته نشد بلکه بتدریج از بین رفت و حتی در دوره های بعد مثل آتشی که باد خاکسترش را بردارد گاهگاهی در افراد و اجتماعات بشری ظهور میکرد. مثلا حکایت میکنند که پس از مرك داریوش کبیر وکشته شدن بردیا که خودش را بتقلب جانشین وی معرفی کرده بود از هفت نفر سرداری که نامزد سلطنت بودند یك نفر که گویا اسمش **اتانس** بود از شاهنشاهی ایران استعفا داده **مشروط بر اینکه او را بکلی آزاد بگذارند**. این حکایت اگرهم درست نباشد باز میرساند که مردمان دوره های بعدهم هنوز آزادی را فراموش نکرده بودند و قدر وقیمت آن را میدانستند و مثل بیشتر مردمان امروز نبودند که آزادی را ارزانترین چیزها تصور کنند و بآسانی از دست بدهند

از گفتار بالا دوباره افراد اولیه بشر چنین نتیجه میگیریم:

۱ — همه کار میکردند

۲ — همه از ثمره کارهمه برخوردار میشدند

۳ — محیط برای همه یکسان بود و باهمه یکطور رفتار مینمودند

۴ — هیچ کس بر دیگری تسلط نداشت و همه آزاد زندگی میکردند

حالا یقینا میپرسید پس چرا این اوضاع تغییر کرد و چطور شد که به صورت امروز در آمد؟